



سنت و مدرنیته از دو منظر

حسین شقایقی

اطلاعات حکمت و معرفت‌ش ۲، اردیبهشت ۸۷

نویسنده در این مقاله در صدد آن است که سنت‌گرایی و پست‌مدرنیسم را از دو جهت با یکدیگر مقایسه کند: اول از حیث توجه هر کدام به سنت و آموزه‌های سنتی و ارجاح به گذشته و دوم از حیث نگاه انتقادی‌ای که هر کدام از آنها به مدرنیته و نگرش مدرن دارند. به نظر نویسنده مهم‌ترین تفاوت سنت در اندیشه پست‌مدرن و سنت‌گرایی در این است که در نگرش پست‌مدرن در کنار خرده‌روایت‌های دیگر مطرح می‌شود، برخلاف سنت‌گرایی که سنت در آن محوریت دارد. در مورد دوم نیز خاطر نشان می‌کند که انتقاد هر دو گرایش فکری به مدرنیته ناظر به وقایع و پدیده‌های یکسانی است که مولود نگرش مدرن و روشنگری است، ولی در نهایت راه حل ارائه شده هر کدام از آنها (سنت‌گرایان و پست‌مدرن‌ها) تفاوت‌هایی دارد که منبعث از تفاوت در هستی‌شناسی‌ای است که سنت‌گرایان اختیار کرده‌اند. یکی از نکات اصلی‌ای که اندیشمندان پست‌مدرن در نقد اندیشه مدرن غربی مدنظر دارند، یک جنبه‌نگری اندیشه مدرن به خصوص نسبت به عقلانیت مدرن است. اندیشه مدرن تعریفی خاص از عقلانیت ارائه می‌دهد و بر همین اساس هر چیز را با این ملاک می‌سنجد و به عقلانی و غیرعقلانی تقسیم می‌کند و آنچه را که با این ملاک، عقلانی می‌داند، هنجار و متعارف و آنچه با این ملاک ناسازگار است، ناهنجار و غیرمتعارف می‌خواند و به حاشیه می‌راند. متکفران پست‌مدرن انتقادهای خود را از حوزه‌ها و زاویه دیدهای متفاوت مطرح کردند. اما یکی از انتقادهای اصلی، انتقاد به مطلق‌انگاری اندیشه مدرن بود. به نظر نویسنده نوعی کثرت‌گرایی را در شرایط پست‌مدرن می‌بینیم که در آن رفع نیازهای عملی محوریت دارد. سنت نیز از همین حیث برای انسان این اثر پذیرفته است. نگرش پست‌مدرن

ممکن است به سنت رجوع کند ولی سنت‌گرا نیست. این مطابق با ویژگی کثرت‌گرایی پست‌مدرنیسم است.

نگرش پست‌مدرن هر چند نگاه قرون وسطای را کاملاً نمی‌پذیرد، ولی فاصله گرفتن جامعه معاصر خود را از آموزه‌های معنوی و مذهبی حس می‌کند. از جمله مهم‌ترین نقدهای سنت‌گرایی به مدرنیته این است که در دوران مدرن عالم یک بعدی و یک لایه شد و از عالم تقدس زدایی شد. به نظر نویسنده شاید بتوان در خاستگاه‌های سنت‌گرایی و پست‌مدرنیسم اشتراکی یافت، توجه به طبیعت و محیط زیست و نقد نگرش به طبیعت به مثابه منبع انرژی و تولید، از ویژگی‌های مشترک متفکران پست‌مدرن و اندیشمندان سنت‌گرا است. مارتین هایدگر در نقد تفکر غرب و تکنولوژی مدرن اظهار می‌کند که تکنولوژی مدرن هم طبیعت و هم انسان را به شکل منبع انرژی برای بهره‌کشی در خدمت تکنولوژی درآورده است. به نظر هایدگر، دکارت از انسان و جهان تبیینی ارائه داد که به بی‌جهانی و بی‌خانمانی انسان منجر شد، زیرا جهان جوهری متفاوت و مغایر با انسان بود. از سوی دیگر در دنیای مدرن انقلابی در معنای لفظ تکنولوژی ایجاد شد. چرا که تکنولوژی ما خود از ریشه تخته‌یونانی است. تخته به نوعی از شناسایی (و دانستن) اطلاق می‌شد که آدمی را هنگام تولید چیزی، چه ابزار «صنعت» و چه اثر هنری راهنمایی می‌کند. اما در دوران حاکمیت تکنولوژی بر زندگی انسان، تکنولوژی نه به معنای ریشه لغوی آن ترد یونانیان دوره باستان، بلکه به معنای تولید هر چیزی است که دارای سود و منفعت برای بشر باشد. بر این اساس طبیعت و جهان برای انسان منبعی نامتناهی و دائمی از انرژی تلقی شده که انسان خود را حاکم و مسلط بر آن می‌داند و طریق بهره‌کشی انسان از این منبع دائمی، همان تکنولوژی است. نتیجه این که نقد سنت‌گرایان به تکنولوژی دوران مدرن با نقد متفکران پست‌مدرن به تکنولوژی و نگرش مدرن قابل مقایسه است. هر دو بر بی‌خانمانی انسان در دوران مدرن که مولود تأملات دکارت است تأکید دارند. نگرش دکارتی انسان را با طبیعت بیگانه کرد و بر همین اساس انسان در پی تجاوز و لطمه زدن به طبیعت در جهت افزایش قدرت خود برآمد. اما آنچه سنت‌گرایان را در اینجا از متفکران پست‌مدرن جدا می‌کند، تأکید بر قداست طبیعت با توجه به هستی‌شناسی آنهاست که ناظر به ذومراتب بودن جهان است.

مزارش‌نور: حسین احمدی

بازتاب اندیشه ۹۹

۸۲
مزارش‌ها

روشن‌فکری یعنی خداگرایی

گفت‌وگو با: عماد افروغ

همشهری، ش ۴۵۷۲، ۸۷/۳/۲۳

بحث در باب روشن‌فکری ایرانی همیشه «موضوع روز» است، آقای افروغ خود از جمله